

به نام خدا

آشنایی با آینده‌پژوهی

www.ketab.ir

نویسنده: امید وقوفی

سرشناسه	: وقوفی، امید، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور	: آشنایی با آینده‌پژوهی/نویسنده امید وقوفی
مشخصات نشر	: تهران: آینده‌پژوه، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۸ ص: مصور، جدول، نمودار.
شابک	: ۴۸۰۰۰۰ ریال 978-622-98394-3-0
یادداشت	: کتابنامه:ص. [۱۲۲] - ۱۲۸. آینده‌پژوهی -- یمن
موضوع	: Forecasting -- Study and teaching -- Yemen (Republic)
موضوع	: Forecasting -- Study and teaching
موضوع	: یمن (جمهوری) -- سیاست و حکومت -- قرن ۲۱م.
موضوع	: Yemen (Republic) -- Politics and government -- 21st century
موضوع	: یمن (جمهوری) -- تاریخ -- قرن ۲۱م.
موضوع	: Yemen (Republic) -- History -- 21st century
رده‌بندی کنگره	: CB۱۵۱
رده‌بندی دیویی	: ۳۲۰.۰۵۱۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۷۶۱۷۵

عنوان: آشنایی با آینده‌پژوهی

نویسنده: امید وقوفی

طراح جلد: مهران وطن‌دوست

ناشر: آینده‌پژوه

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰، ۵۰۰ جلد

قیمت: ۴۸۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۳۹۴-۳-۰

کلیه حقوق این کتاب متعلق به انتشارات آینده‌پژوه است. هرگونه چاپ و تکثیر آن به صورت کاغذی یا الکترونیک بدون اجازه کتبی انتشارات ممنوع است. برای تهیه این کتاب با تلفن ۸۸۴۶۳۷۸۷ و ۰۹۱۲۵۳۸۷۸۴۷ تماس بگیرید

فهرست

مقدمه. آینده پژوهی / ۵

۱. مبانی نظری آینده پژوهی / ۵

۲. تاریخچه و ضرورت آینده پژوهی / ۷

۳. مفروضات آینده پژوهی / ۱۱

۴. تعریف آینده پژوهی / ۱۴

۵. آینده چگونه ساخته می شود / ۱۶

۱-۵. روندها / ۱۷

۲-۵. رویدادها / ۱۸

۳-۵. تصویرها / ۱۹

۴-۵. اقدامها / ۲۰

۵-۵. نیروهای پیشران / ۲۱

فصل ۱. روش های آینده پژوهی / ۲۳

فصل ۲. سناریو / ۲۹

۱. مروری اجمالی بر سناریو / ۲۹

۲. برنامه ریزی بر پایه سناریو / ۳۲

۳. دستاوردهای برنامه ریزی بر پایه سناریو / ۳۵

۴. یادگیری / ۳۶

۵. رویکردها به برنامه‌ریزی بر پایه سناریو/۳۷

۶. عبارات کلیدی در سناریو/۴۴

۱-۶. عناصر پیش‌معین/۴۴

۲-۶. عدم قطعیت‌های کلیدی/۴۵

۳-۶. فضای چهارربعی رتبه‌بندی/۴۶

۷. ارزیابی سناریوها/۴۷

۱-۷. سنجه‌هایی برای ارزیابی سودمندی سناریوها/۴۷

۲-۷. ارزیابی جامع‌تر سناریوها/۴۸

۳-۷. فهرست بازبینی ارزیابی کیفیت سناریو/۵۲

فصل ۳. تحلیل برگزیده (تحلیل تأثیرات متقاطع) /۵۵

۱. رویکرد تحلیل ساختاری/۵۷

۲. فرایند انجام روش تحلیل برگزیده/۵۸

۳. جایگاه تحلیل برگزیده در سناریونگاری/۶۷

فصل ۴. نرم‌افزارها/۷۱

۱. نرم‌افزار میک مک/۷۱

۲. نرم‌افزار سناریو ویزارد/۷۳

فصل ۵. چشم‌انداز/۷۷

۱. معیارهای تدوین چشم‌انداز/۷۹

۲. نمونه‌هایی از چشم‌انداز داخلی و خارجی/۸۰

فصل ۶. راهبردنگاری/۸۳

۱. تعریف راهبرد/۸۳

۲. سوات SWOT/۸۶

پیوست. سناریوهای آینده سیاسی یمن تا سال ۱۴۰۸/۹۳

منابع/۱۲۳

آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر یا ثبات، به تجسم آینده‌ای بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن‌ها می‌پردازد. آینده‌پژوهی منعکس می‌کند که چگونه از دل تغییرات «امروز»، واقعیت «فردا» متولد می‌شود.

آینده‌پژوهی معادل لغت لاتین «Futures Study» است. کلمه جمع Futures به این دلیل استفاده شده است که با بهره‌گیری از طیف وسیعی از متدولوژی‌ها و به جای تصور «فقط یک آینده»، به گمانه‌زنی‌های نظام‌مند و خردورزانه در مورد نه فقط «یک آینده» بلکه «چندین آینده متصور» اقدام می‌شود. موضوعات آینده‌پژوهی دربرگیرنده گونه‌های «ممکن»، «باورکردنی»، «محتمل» و «مطلوب» برای دگرگونی از حال به آینده هستند.

۱. مبانی نظری آینده‌پژوهی

همواره بشر در این فکر بوده است که در آینده چه چیزهایی بر سر راه آن‌ها قرار خواهد گرفت. با نظر افکندن به تاریخ، رونق کار طالع‌بینان، کاهنان و پیشگویانی مشاهده خواهد شد که آینده و حوادث آن را برای عوام و خواص به تصویر

می کشیدند و در سایه این پیشگویی‌ها ارج و قرب زیادی برای خویش کسب می کردند. پادشاهان و حاکمان از طالع‌بینان برای پیشگویی وضعیت آینده امپراتوری خویش، شکست یا پیروزی، بقا یا زوال خود و رقبایشان و سایر مسائل روزمره‌شان بهره‌ها می بردند. گذر زمان این تفکر را رایج ساخت که کنش‌های امروز افراد تعیین کننده فردا و فرداهایشان است. براین مبنای اصحاب علم و معرفت، شور و شوق خویش را برای شناخت دقیق تر آینده نشان دادند و کوشیدند تا بدانند با چه روش‌هایی می توان آینده را بهتر شناخت. به نظر می رسد که روشنفکرانه ترین موضوعی که می تواند میهمان ذهن بشر باشد، مطالعه آینده است.

ابن خلدون یکی از خصوصیات روحی انسان را توجه به آینده و فرجام کارها می داند. سرشت بشر و تاریخ بشریت شیفته آینده‌نگری است و این دلبستگی، به اشخاص آینده‌نگر و آثار آن‌ها تیری پیدا کرده است. بنابراین شناخت آینده برای بشر و روح جوینده او یک نیاز و آرمان همیشگی و ثابت است. از دیرباز نوشته‌های نوستر داموس، پی چینگ، شاه نعمت‌الله ولی و الوین تافلر مورد اقبال مردم است. شاید این علاقه ناشی از حسن کنجکاوی ذاتی انسان، احتیاج بشر به جلوگیری از حوادث غیرمترقبه و یا بهبود وضع زندگی وی است. به هر حال انسانی که از دیرباز آرزوی تصرف در طبیعت و تغییر آن مطابق میل خود را در سر می پروراند، رشته‌هایی مانند مدیریت، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری را به عنوان ابزارهایی برای تحقق این آرمان ایجاد کرد. در گذشته پیش‌بینی‌ها متأثر از تعمیمات عقلی و روش قیاسی بود؛ اما امروزه از مشاهدات و روش استقرا متأثر است. به‌ویژه دهه‌های اخیر خاستگاه ابزار توانمند و شگفت‌آوری به نام آینده‌پژوهی است. بشر که پیش از این عادت کرده بود فقط با نگاهی منفعلانه آینده را تخمین بزند و اهداف خود را در بستر آن ترسیم کند، به کمک این ابزار می تواند نگاهی فعالانه به آینده داشته باشد (برزگر، ۱۳۸۶: ۲۶۵).

آینده‌پژوهی دانش و معرفتی است که چشم مردم را نسبت به رویدادها، فرصت‌ها و مخاطرات احتمالی آینده باز نگاه می دارد. ابهام‌ها، تردیدها و دغدغه‌های فرساینده آن‌ها را می کاهد. توانایی انتخاب‌های هوشمندانه جامعه و مردم را افزایش می دهد. به همگان اجازه می دهد که بدانند که به کجا می توانند بروند، به کجا باید بروند و از چه

مسیرهایی می‌توانند با سهولت بیشتری به آینده مطلوب خود برسند. آینده‌پژوهی در حقیقت دانش و معرفت شکل بخشیدن به آینده به‌گونه‌ای آگاهانه، فعالانه و پیش‌دستانه است. همان دانش و معرفت سترگی که می‌تواند بدر رؤیاهای، آرزوها و آرمان‌های نجیب و اصیل یک فرد، یک سازمان و یک ملت را بارور کند (وحیدی مطلق، ۱۳۸۶: ۳).

۲. تاریخچه و ضرورت آینده‌پژوهی

رویکرد به آینده در طول تاریخ، تابع وجه فعال معرفت‌شناختی دانش هر عصر بوده است. در دوران باستان که وجه غالب معرفت‌شناختی، شهود و مکاشفه بود، رویکرد به آینده نیز، به شکل خاص، از طریق پیامبری و پیام‌آوری صورت می‌گرفت. در سده‌های میانی که وجه غالب معرفت‌شناختی، واقع‌نمایی قیاسی بود، رویکرد به آینده نیز از نوع یوتوپیا بود؛ اما در دوران جدید که با وجه غالب تجربه‌گرایی همراه است، رویکرد به آینده در قالب پیش‌بینی علمی درآمد و در نهایت به گشایش‌های معرفت‌شناختی در مطالعات آینده انجامیده است (مردوخ، ۱۳۹۱: ۱۳).

در دوران باستان، نوعی غیب‌گویی یا پیش‌گویی رواج داشت که پاسخگوی نیاز سلاطین به آینده‌نگری بود. مشهورترین غیب‌گویی مربوط به معبد آپولو در دامنه کوهسار دلفی در یونان باستان بود. توماس مور^۱ در سال ۱۵۱۹ کتابی با نام «آرمان شهر» منتشر ساخت که شاید بتوان گفت نخستین نوشتاری است که به شیوه‌ای موشکافانه به آینده می‌پردازد. بعدها میشل نوستراداموس با نگارش چندین کتاب، از جمله کتاب «سده‌ها» در سال ۱۵۵۵ از سرشناس‌ترین پیشگوبان شد. در عصر روشنگری نیز رویکرد به آینده دامنه گسترده‌تری یافت. ژول ورن^۲ در سال ۱۸۶۵ در کتاب «سفر به ماه» از ماجراهای سفر به ماه سخن گفت و ادوارد بلامی^۳ در کتاب «نگاهی به پشت سر» در سال ۱۸۸۸ چشم‌انداز جامع‌نگر از آینده بلندمدت را

1 - Thomas More

2 - Jules verne

3 - Edward Bellamy

توصیف کرد. تا اینکه همگام با شتاب‌گیری فرایند صنعتی شدن و توسعه برخاسته از آن و گذار از جامعه کشاورزی به عصر صنعتی و با پیدایش توانمندی‌های فنی، درک و فهم انسان‌ها از آینده دستخوش تغییر شد (علیزاده و وحیدی مطلق، ۱۳۸۵: ۳).

در اواسط قرن بیستم نخستین کوشش‌های کلاسیک مطالعات آینده در غرب بروز و ظهور یافت. اساس این مطالعات بر عنصر «پیش‌بینی»^۱ متمرکز بود و توجه اصلی آن بر شناخت رویدادها و حوادث احتمالی در جنگ‌ها معطوف می‌شد؛ اما بعدها دامنه این مطالعات به حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی تسری پیدا کرد. وندل بل^۲ با اتخاذ دیدگاهی عمیق و کلی در مورد ریشه‌های تاریخی مطالعات آینده، بیان می‌کند که آینده‌پژوهی برخاسته از رهیافت سکولار به تکامل اجتماعی است که در دوران روشنگری شکل گرفت. شاید بتوان گفت که آینده‌پژوهی به عنوان یک رشته علمی ریشه در ظهور تفکر سیستمی در دهه ۱۹۴۰ دارد و به طور ویژه در تحلیل‌های امنیتی و استراتژیک مورد استفاده قرار می‌گرفت (آقاپور و پهلوان، ۱۳۸۶: ۱۵۶). در آغاز سده بیستم و به دلیل جنگ جهانی اول و دوم، تنها برنامه‌ریزی آینده کوتاه‌مدت رایج بود؛ اما در سال ۱۹۴۵ مؤسسه رند^۳ تأسیس شد تا برتری آمریکا در رقابت‌های نظامی با اتحاد شوروی را به همراه بیاورد. این مؤسسه برای نخستین بار سناریوپردازی، شبیه‌سازی و مطالعات دلفی را طراحی و اجرا کرد. پس از آن انستیتو تحقیقات استانفورد^۴ و شرکت شل^۵ نیز از روش‌های متعدد و متنوعی در زمینه آینده‌پژوهی استفاده کردند (میچیچ، ۱۳۸۷: ۱۰).

در میان پیشگامان آینده‌پژوهی معاصر، باید از اچ‌دی لاسول^۶ نیز یاد کرد. این آینده پژوه نامور روش‌ها، الگوها و باورهای تازه و درخوری از خود بر جای گذاشت و در عرصه علوم اجتماعی مبارزه با جزم‌اندیشی را به عنوان آرمانی بزرگ برای خود توصیف کرد. دغدغه‌های لاسول در حوزه سیاست اجتماعی و تلاش‌های او برای

1 - Prediction

2 - Wendell Bell

3 - RAND

4 - Stanford Research Institute

5 - SHELL

6 - Harold Dwight Lasswell (1902-1978)

جهت گیری تازه علوم سیاست گذاری^۱ موجب امتزاج آینده پژوهی و سیاست شد. لاسول پنج کارکرد مهم را برای حوزه آینده پژوهی برمی شمارد: ۱- توصیف هدفها و ارزشها؛ ۲- توصیف روندها؛ ۳- تبیین شرایط حاکم؛ ۴- تصویربرداری آینده های ممکن و محتمل با توجه به ادامه شرایط؛ ۵- ابداع، ارزیابی و گزینش سیاست های بدیل با هدف دستیابی به آینده مطلوب.

لاسول، از آینده پژوهانی است که نقش عمده ای برای اهداف و ارزش ها قائل است. او همچنین بر این باور تأکید دارد که تصمیم گیری رویکردی آینده گراست؛ رویکردی که به شدت نیازمند آفرینش تصویرهایی از آینده های ممکن و گزینش مناسب ترین آینده است. بر همین قیاس، انسان ها، خواه به تنهایی و خواه در چارچوب سازمان ها و نهادهای سیاسی و اجتماعی نوعی نظام تصمیم گیری ارزش بنیان هستند. لاسول و شماری از همکارانش کتاب «علوم سیاست گذاری»^۲ را نوشتند. برخی این کتاب را نخستین چارچوب سازمند تحلیل های سیاسی می دانند. به هر حال، لاسول به درستی نشان می دهد که میان علوم سیاسی و آینده پژوهی ارتباطی تنگاتنگ و معنادار وجود دارد (خزایی، ۱۳۸۸).

شایان توجه اینکه مطالعات آینده پژوهی در قالب یک رشته علمی به طور مشخص در دهه ۱۹۶۰ تبلور یافت. در این دهه، انبوهی از کتاب ها و سایر انتشارات علمی به طور ناگهانی و سریع منتشر شدند. از جمله آن ها، مجله آینده شناسی است که به وسیله کورنیش^۳ و همسرش پایه ریزی شد. هرمان کان^۴ نیز که خود یکی از اعضای پروژه سناریونگاری برای نیروی هوایی آمریکا بود، این روش را به دنیای کسب و کار و تجارت معرفی کرد (علیزاده و وحیدی مطلق، ۱۳۸۵: ۳). اولین سازمان هایی که آشکارا به مطالعات آینده پرداختند، از جمله جامعه آینده جهانی^۵ (۱۹۶۶) در واشنگتن، مجمع بین المللی آینده پژوهی (۱۹۶۷) در پاریس و کلوب رم (۱۹۶۸) در

1 - Policy Sciences

2 - The policy Sciences: Recent Developments in Scope and (1951)

3 - Edward Comish.

4 - Herman Kahn

5 - World Future Society

این دهه شکل گرفتند. پس از آن نیز انبوهی از کانون‌های تفکر^۱ در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی شکل گرفت (آقاپور و پهلوان، ۱۳۸۶: ۱۵۶).

در دهه اول قرن بیست و یکم اندیشه‌های آینده‌پژوهی در بیشتر کشورهای جهان گسترده شد و از آن به مثابه یکی از ابزارهای مهم سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری سود بردند. حتی در برخی از کشورها، آینده‌پژوهی به عنوان یک رشته دانشگاهی درآمد و بسیاری از رهبران و دانشمندان بر استراتژیک بودن علم آینده‌پژوهی اذعان کردند. در آغاز هزاره سوم نهادها و سازمان‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران نیز در راه پژوهش‌های آینده‌نگری گام برداشتند و پرداختن به این مهم را در دستور کار خود قرار دادند.

در گذشته‌های دور مردم می‌توانستند بر اساس تجربه‌های فردی خود، آینده کوتاه‌مدت را پیش‌بینی کنند؛ ولی با پیشرفت علم و فناوری در سده‌های اخیر، موج‌های تغییر یکی پس از دیگری فرا رسید و جنبه‌های مختلف زندگی انسان کنونی را دربر گرفت. اغلب تغییرات برای انسان تازگی دارد و او را وادار می‌کند که نقش‌های تازه‌ای به عهده بگیرد. در این میان افرادی که درک بهتری از تغییر دارند، برای تأثیرگذاری مثبت بر آینده‌ای که در حال تکوین است فرصت بیشتری خواهند داشت. در واقع، آینده غیر قابل شناخت است؛ اما انسان به کمک دانش ناقص خود می‌تواند در شکل بخشیدن به آن سهمی داشته باشد. او می‌تواند رخدادهای آینده را به صورت غیرمتمم و محتمل و همچنین مطلوب و نامطلوب تقسیم‌بندی کند و سپس اقداماتی انجام دهد تا احتمال رخدادهای مطلوب افزایش یابد و از ظهور رخدادهای محتمل اما نامطلوب جلوگیری کند؛ به‌ویژه در جهان معاصر که تحولات و دگرگونی‌ها بسیار شگرف است و در هیچ برهه‌ای از تاریخ بشر بدیلی برای آن نمی‌توان یافت.

اکنون جوامع بشری گذار بزرگ و تاریخ‌ساز خود به عصر حیرت را آغاز کرده‌اند؛ آموزه‌های کهن، نظریه‌پردازی‌های خردمندانه فلسفی، نظریه‌ها و روش‌های بسیاری در معرض تردید قرار گرفته‌اند. پیدایش نظریه آشوب، نظریه سامانه‌های پیچیده و نظریه

سامانه‌های باز، تنها نقطه آغازی بر این دوران آشوب است (خزایی، ۱۳۸۸). در این شرایط یکی از دلایلی که ضرورت آینده‌نگری را توجیه می‌کند، انقباض و کوچک‌تر شدن دنیای انسان‌هاست. فناوری‌های جدید انسان‌ها را در یک دهکده یا اکوسیستم قرار داده است و نیرووهایی را به آن‌ها وارد می‌کند که یک یا دو دهه پیش نمی‌توانستند آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. برای نمونه، هرگونه بحران در بورس نیویورک در عرض چند روز در سراسر دنیا احساس می‌شود. در این وضعیت که تغییرات در همه زمینه‌ها به سرعت صورت می‌گیرد، سازمان‌دهی فعالیت‌های علمی برای پیش‌بینی آینده ضرورتی انکارناپذیر است.

۳. مفروضات آینده‌پژوهی

به عقیده گیسون^۱ آینده آمده است، اما هنوز گسترش نیافته است (میچیچ، ۱۳۸۷: ۶). ریچارد اسلاتر^۲ با تأکید بر توانایی انسان برای آینده‌اندیشی معتقد است که انسان‌ها برای گمانه‌زنی، آینده‌اندیشی، مدل‌سازی و انتخاب بین شقاق مختلف توانایی ذاتی دارند. آن‌ها در یک جهان دترمینیستیک سرگردان نیستند، بلکه به شکلی آگاهانه در ماتریسی از ساختارها، ادراکات و نیروهای خودبسندهای که به گونه‌ای اجتماعی خلق می‌شوند، قرار می‌گیرند. بنابراین انسان‌ها می‌توانند درباره آینده (به عنوان یک بعد انقزاعی) فکر کنند (اسلاتر، ۱۳۸۶: ۱۰۶). ادوارد کورنیش نیز می‌گوید: انسان‌ها گذشته را به ارت می‌برند؛ اما می‌توانند آینده را بسازند و برای این مقصود زمان حال بهایی است که باید برای صید مروارید آینده بپردازند (خزایی و پدرام، ۱۳۸۷: ۶). جان راکفلو (۱۹۹۴) نیز برای تعیین متغیرهای مؤثر بر آینده‌پژوهی از شگفتی‌سازها نام می‌برد. به نظر وی، شگفتی‌سازها که رخدادهایی با احتمال وقوع خیلی کم، ولی با اثرات بسیار شدید هستند که به سرعت اتفاق می‌افتند، و با استفاده از فنون و مکانیسم‌های علمی غیر قابل پیش‌بینی هستند، مانند اختراع یک تکنولوژی جدید، وقوع جنگ جهانی، خشکسالی و قحطی، سیل و زلزله

1 - Gibson

2 - Richard A. Staughter.

و مواردی از این دست در قلمرو علمی آینده پژوهی جایگاهی ندارند و نمی توانند مورد استناد باشند (حجازی، ۱۳۸۷: ۴).

در مجموع می توان گفت که آینده در اساس با عدم قطعیت همراه است و فقط آثار و رگه هایی از اطلاعات و واقعیت ها که ریشه در گذشته و حال دارند، می توانند رهنمون انسان به آینده باشند. آینده پژوهی نیز مانند هر رشته پژوهشی بر پایه فرض های صریح و ضمنی بسیاری استوار است که پژوهش در آن رشته را میسر می کند. برخی از مفروضات آینده پژوهی عبارتند از:

- ۱- انسان ها موجوداتی فعال، مصمم و هدف گرا هستند و برای خود پروژه هایی طراحی کرده اند و می کوشند تا به آن ها برسند؛
- ۲- جامعه از نمونه های مکرری از رفتارهای متقابل افراد تشکیل شده است. جامعه با عمل، عکس العمل و تعامل روزانه افراد، ساخته و بازساخته می شود؛
- ۳- زمان به صورت یک طرفه و بی بازگشت به پیش می رود؛
- ۴- ممکن است آینده شامل مواردی باشد که در حال و گذشته هیچ سابقه ای از آن وجود نداشته است؛
- ۵- تفکر پیرامون آینده برای کارها و اقدامات کنونی انسان، امری ضروری است. انجام واکنش بدون تفکر به آینده امکان پذیر است؛ اما کنش امکان پذیر نیست؛
- ۶- آینده به طور کامل و مطلق از پیش تعیین نشده و به صورت اجتناب ناپذیر بر انسان تحمیل نشده است؛
- ۷- نتایج آینده تا حدودی متأثر از اقدامات فردی و جمعی انسان هاست؛
- ۸- وابستگی متقابل بین اجزای نظام هستی ایجاب می کند هنگام تهیه اطلاعات برای اخذ تصمیم، دید کلی نگر داشته و رویکردی چند سویه در پیش گرفته شود؛
- ۹- بعضی از آینده ها از بقیه بهتر هستند؛ بنابراین آینده پژوهان ارزش هایی را مورد توجه قرار می دهند؛
- ۱۰- هیچ شناختی نسبت به آینده وجود ندارد. اگرچه واقعیت هایی برای گذشته، انتخاب هایی برای حال و احتمالاتی برای آینده وجود دارد؛ اما برای گذشته احتمال بی معنی است و برای آینده هم امر مسلمی وجود ندارد (بل، ۱۳۸۶: ۳۱-۳۵).